



فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

دوره ۱۷، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۸۹-۱۰۵

## چشم‌انداز روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایران و آمریکا

### در منطقه خاورمیانه تا سال ۲۰۲۶

اصغر رجیبی ده برزویی<sup>۱</sup>

محمد بیدگلی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۲۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۳

#### چکیده

بی‌تردید منطقه خاورمیانه، از مهم‌ترین مناطقی است که توجه بسیاری از بازیگران بین‌المللی را به خود معطوف کرده است. آمریکا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران فرا منطقه‌ای دخیل در معادلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی منطقه بوده است. هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال اساسی است که چشم‌انداز روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایران و آمریکا تا سال ۲۰۲۶ م به چه سمت و سوی سوق پیدا می‌کند؟ ما در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی با اتکا به منابع مکتوب کتابخانه‌ای و مقالات اینترنتی به بررسی این موضوع می‌پردازیم. نتایج پژوهش حاضر با در نظر گرفتن دیدگاه الکساندر ونت مؤید غلبه دیدگاه هابزی یا دشمنی بر دیدگاه کانتی یا دوستی است. ازجمله مسائلی که بر روابط ایران و آمریکا تأثیر گذاشته و باعث گردیده دیدگاه هابزی یا خصومت و دشمنی غلبه پیدا کند وجود تعارضات ایدئولوژیک بنیادین بین آرمان‌های انقلاب اسلامی و نظام لیبرالیسم آمریکایی، جایگاه اسرائیل و لابی صهیونیستی علیه ایران، تأثیرگذاری کشورهای حوزه خلیج فارس و در رأس آن‌ها عربستان سعودی، تحریم‌های اقتصادی، تهدید به تغییر رژیم، حمایت از گروه‌های مخالف نظام، شهادت سردار سلیمانی، انزوای ایران در عرصه بین‌الملل و خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق برجام می‌باشد که امکان بهبود روابط ایران و آمریکا متصور نمی‌باشد.

#### کلمات کلیدی

الکساندر ونت، خاورمیانه، جمهوری اسلامی ایران، آمریکا، روابط ایران و آمریکا

۱- گروه معارف، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) asgharrajabi021@gmail.com

۲- گروه حقوق، واحد ورامین- پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mohammad.bidgoli@yahoo.com

روابط ایران و آمریکا در بیش از چهار دهه گذشته هم از اهمیت ویژه‌ای برای طرفین برخوردار بوده و هم چالش‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است. فراز و فرودهای این رابطه که روزی متحد استراتژیک یکدیگر لقب گرفته بودند و امروز به دشمنان یکدیگر تبدیل شده‌اند همواره مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل بوده است. تداوم تیرگی و قطع بودن روابط رسمی ایران و آمریکا بعد از تسخیر سفارت این کشور با توجه به پیشینه تاریخی روابط دو کشور، وجود منافع مشترک منطقه‌ای همراه با فرصت‌های پیش‌آمده برای ترمیم و بهبود رابطه، پرسشی را فراروی پژوهشگران قرار می‌دهد که چرا روابط دو کشور همچنان تیره‌وتار است. آنچه روابط دو کشور را با پیچیدگی‌های بیشتری مواجه ساخته روی کار آمدن دولتی دموکرات در ایالات متحده آمریکا است که سیاست خارجی آن با شعار نزدیکی هر چه بیشتر با ایران جهت‌گیری شده است. به همین دلیل چشم‌انداز روابط ایران و آمریکا و نحوه روبرویی تهران و واشنگتن ظرف چند سال آینده با ابهام بیشتری روبرو خواهد بود. این در حالی است که به نظر برخی کارشناسان، توافق برجام را مقدمه‌ای برای ورود ایران و آمریکا به فصل تازه‌ای از تنش‌زدایی و متعاقب آن ورود به دوره جدیدی از مناسبات دوستانه تحلیل می‌کنند. علت انتخاب سال ۲۰۲۶ به‌عنوان مبنای پژوهش آن است که با انتخابات ریاست جمهوری دو کشور ایران و آمریکا و انتخاب آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی و آقای جو بایدن فصل جدیدی از روابط متصور هست.

از طرفی، جمهوری اسلامی ایران کشوری است با ملاحظات ملی (صرفاً مربوط به سرزمین ایران) و فراملی (عمدتاً مربوط به جهان اسلام). به‌عبارت‌دیگر، در اینجا هم منطق دولت - ملت و هم منطق دین یا به عبارتی ایدئولوژی حائز اهمیت است. تحولات گوناگون در سطح نظام بین‌المللی و تنوع در محیط‌های تعاملی خود و همچنین گوناگونی تهدیدات و به‌ویژه تهدیدات نامتقارن، نوعی استراتژی را الزامی می‌سازد که ترکیبی از ایدئولوژی، پراگماتیسم و عقلانیت بوده و سه اصل عزت، حکمت و مصلحت را سرلوحه خود قرار می‌دهد. فهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران امری بسیار پیچیده و دقیق است. از یک‌سو، بررسی سیاست خارجی این کشور می‌تواند با کمک گرفتن از نظریه‌های علوم اجتماعی به‌طور عام و نظریه‌های روابط بین‌الملل و سیاست خارجی به‌طور خاص صورت گیرد. از سوی دیگر، به سبب ویژگی‌های مخصوص به خود جمهوری اسلامی ایران، باید دقت شود که برای فهم رفتار آن باید به این ویژگی‌ها نیز توجه کرد؛ بنابراین باید یادآور شد که درباره سیاست خارجی ایران مفهوم‌پردازی به دلایل درحال توسعه بودن ایران، مبانی ملی سیاست خارجی و تلاطم آن با مبانی اسلامی سیاست خارجی و ارتباط آن با نظریه‌های روابط بین‌الملل از ضرورت بیشتری برخوردار است (اردم، ۱۳۹۳: ۲).

## چشم انداز روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایران و آمریکا در.../ارجبی ده برزویی و بیدگلی

با عنایت به سیاست‌های جدید دولت دموکرات آمریکا در خاورمیانه سؤال تحقیق حاضر آن است که چشم‌انداز روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایران و آمریکا تا سال ۲۰۲۶ م به چه سمت و سویی سوق پیدا می‌کند؟ ما در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی با اتکا به منابع مکتوب کتابخانه‌ای و مقالات اینترنتی چشم‌انداز روابط ایران و آمریکا در منطقه خاورمیانه با عنایت به وجود تعارضات ایدئولوژیک بنیادین بین آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران و نظم لیبرالی آمریکا، جایگاه اسرائیل و لابی صهیونیستی فعال در آمریکا در اتخاذ سیاست‌های خصمانه آمریکا علیه ایران، تأثیرگذاری کشورهای حوزه خلیج فارس و در رأس آن‌ها عربستان سعودی بر سیاست خارجی خاورمیانه‌ای آمریکا، تحریم‌های اقتصادی، تهدید به تغییر رژیم و حمله نظامی، حمایت از گروه‌های مخالف نظام ایران اسلامی، شهادت سردار سلیمانی و خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق برجام از جمله مسائلی است که بر روابط ایران و آمریکا تأثیر گذاشته و باعث گردیده دیدگاه‌هایزی یا خصومت و دشمنی غلبه پیدا کند و امکان بهبود روابط ایران و آمریکا متصور نباشد.

### **مبانی نظری: سازه‌نگاری الکساندر ونت**

سازه‌نگاری نظریه‌ای است که برخلاف بسیاری از نظریه‌های دیگر مثل رئالیسم برشدن استوار است تا بر بودن. از این نظر وی با نقد دو دیدگاه واقع‌گرایی و لیبرالیسم عنوان می‌کند که آنارشی فی‌نفسه نه به تعارض و نه به همکاری می‌انجامد. در واقع دولت‌ها در فرآیند تعاملات با یکدیگر با توجه به معانی جمعی میان ذهنی که به تعریف هویت خود و دیگری منجر می‌شود، برداشت خود از امنیت را مشخص می‌کنند. پس آنارشی منطق خاصی ندارد و نتیجه تعاملات دولتهایی است که به فهمی میان ذهنی از خود و دیگری دست یافته‌اند. این برداشت‌ها رقابتی (مدل هابزی)، فردگرایانه (مدل لاک)، یا همکاری جویانه (مدل کانتی) هستند (مشیرزاده، ۳۴۷:۱۳۸۴-۳۴۵).

سازه‌نگاران برآنند که در نگاه به نظام بین‌الملل فهم بین‌الذهانی که یکی از مهم‌ترین ابزار موجود در جعبه‌ابزار سازه‌نگاران است، امری کلیدی است. به‌طور خاص وقتی از فهم بین‌الذهانی سخن به میان می‌آید، منظور تصویری است که ریشه در تجربه تاریخی یک بازیگر نسبت به خود از دیگران دارد. این تصور به‌صورت زمینه بند شکل می‌گیرد، یعنی سوژه با مراجعه به تجربیات خود، آن را در برمی‌گیرد و به‌مرورزمان با افزایش اسنادی که آن را تأیید می‌کنند، آن را برای خود بازنمایی و تبدیل به واقعیت می‌کند (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۴).

ونت عنوان می‌دارد انگاره‌های مشترک ساختار را شکل می‌دهد و این ساختار خود با توجه به نقش‌های منتسب به آن سه گونه فرهنگ‌هابزی (مبتنی بر دشمنی)، لاک (مبتنی بر رقابت) و کانتی (مبتنی بر

همکاری) شکل می‌گیرد. در اینجا وقتی صحبت از کنشگران به میان می‌آید، در وهله نخست منظور کنشگران دولتی‌اند، اما در سطح بعدی می‌توان کنشگران غیردولتی را هم مدنظر قرارداد. به‌هرروی، تعاملات کنشگران مذکور در نتیجه فهم مشترک از یکدیگر در سایه عوامل معنایی اجتماعی سه نوع فرهنگ‌هازی، لاکي و کانتی در مناطق شکل می‌گیرد. وی به تأسی از هدلی بول بر این عقیده است که ساختار آنارشی می‌تواند تغییر کند و به منطق و گرایش‌های متمایزی منجر شود. آنارشی‌ها صرفاً به تبع ساختاری ( فرهنگ) که ما در درون آن‌ها قرار می‌دهیم، منطق پیدا می‌کنند. از دید و نت ساختار یا فرهنگ حاکم بر نظام بین‌الملل در ساختار کلان و یا خرد عبارت‌اند از:

#### **فرهنگ کانتی یا دوستی**

در دیدگاه و نت دوستی تنها مختص امنیت ملی است و ضرورتی ندارد به سایر حوزه‌های موضوعی تسری پیدا کند. علی‌رغم عدم خشونت و کمک متقابل، دوستان می‌توانند تعارض و تفاوت منافع چشمگیری هم داشته باشند. طبق نظر و نت دوستی میان کشورها بر اساس دو اصل بنا شده است. اول: اختلافات بدون توسل یا تهدید به جنگ حل‌وفصل می‌شود (قاعده عدم خشونت). دوم: در صورت تهدید طرف ثالثی علیه امنیت هر یک از آن دو، به صورت دسته‌جمعی و با هم خواهند جنگید (قاعده کمک متقابل). دوستی در مواردی وجود دارد که دولت‌ها از یکدیگر انتظار دارند هر دو قاعده را رعایت کنند. بر اساس این دو قاعده، آنچه دوستی کشورها را در عرصه سیاست بین‌الملل رقم خواهد زد ایجاد یک نظام امنیت دسته‌جمعی است. امنیت دسته‌جمعی مبتنی بر اصل کمک متقابل، یا همه برای یکی، یکی برای همه است: هنگامی که متجاوزی امنیت یکی از اعضای نظام را در معرض تهدید قرار دهد، انتظار می‌رود همه اعضا به دفاع از آن برخیزند، حتی اگر امنیت فردی آن‌ها در معرض خطر نباشد ( و نت، ۱۳۸۴: ۴۳۶).

#### **فرهنگ لاکي یا رقابت**

رقابت و فرهنگ لاکي حداقل چهار پیامد برای سیاست خارجی دارد: مهم‌ترین آن‌ها این است که دولت‌ها هر نوع تعارضی هم که داشته باشند، باید در مورد حاکمیت یکدیگر، به شیوه طرفداری از وضع موجود عمل کنند. دومین پیامد به سرشت رفتار عقلانی مربوط می‌شود. دشمنان باید بر مبنای دفع خطر، افق‌های کوتاه‌مدت و قدرت نسبی تصمیم‌گیری کنند، حال آنکه رقابت، امکان برداشتی انعطاف‌پذیرتر را می‌دهد. سوم اینکه قدرت نظامی همچنان اهمیت نسبی خود را دارد، زیرا رقبا می‌دانند که احتمال این می‌رود که دیگران از زور برای حل‌وفصل مسائل استفاده نمایند، اما معنای واقعی آن برای رقبا بامعنایی که برای دشمنان دارد متفاوت است، زیرا نهاد حاکمیت موازنه تهدید را تغییر می‌دهد.

### چشم انداز روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایران و آمریکا در.../رچی ده برزویی و بیدگلی

تهدیدها جنبه وجودی ندارند و هنگامی که قدرت یک طرف ناکافی است، به سهولت بیشتری می توان، به متحدان اعتماد کرد. سرانجام این که اگر اختلافات به جنگ بیانجامد، رقبا خشونت خود را محدود خواهند کرد ( همان، ۴۱۲).

#### **فرهنگ‌ها بزی یا دشمنی**

فرهنگ‌ها بزی حداقل چهار پیامد برای رفتار و رویکرد سیاست خارجی یک دولت دارد: اول دولت‌ها تلاش خواهند کرد دشمنان را نابود و یا مغلوب کنند. ثانیاً تصمیم‌گیری به شدت همراه با بد دیدن آینده و معطوف به بدترین وضعیت است. قدرت به رمز بقا تبدیل می‌شود و در نتیجه حتی دولت‌های طرفدار حفظ وضع موجود، بر اساس اصل اگر خواهان صلح هستید، خود را آماده جنگ کنید به شدت مسلح خواهند شد. همچنین دشمن به توانمندی‌ها معنا و مفهومی خاص می‌دهد که نه ناشی از خصوصیات ذاتی و مقدر آنهاست و نه ناشی از ذات آنهاست، بلکه ناشی از ساختار و نحوه رابطه نقش‌ها است. سرانجام، اینکه اگر کار به جنگ واقعی بکشد، دولت‌ها بر اساس شرایط دشمنی خواهند جنگید یعنی هیچ حد و حدودی برای خشونت خود قائل نمی‌شوند و اگر جنگ هنوز شروع نشده اما روشن است که به زودی شروع خواهد شد، دولت‌ها باید آمادگی بیشتری هم داشته باشند، به‌ویژه اگر به فن‌آوری تهاجمی مسلط باشند ( ونت، ۱۳۸۴: ۳۸۲).

#### **سناریوهای سه‌گانه الکساندر ونت در خصوص روابط ایران و آمریکا تا سال ۲۰۲۶**

روابط ایران و آمریکا و نحوه رویارویی تهران و واشنگتن ظرف چند سال آینده تا سال ۲۰۲۶ میلادی با ابهاماتی زیادی روبرو خواهد بود. این در حالی است که به نظر برخی کارشناسان طرفدار سناریوی کانتی یا دوستی، توافق برجام را مقدمه‌ای برای ورود ایران و آمریکا به فصل تازه‌ای از تنش‌زدایی و متعاقب آن ورود به دوره جدیدی از مناسبات دوستانه تحلیل می‌کنند و به نظر برخی دیگر از کارشناسان که رقابت ایران با آمریکا در عراق، افغانستان و سوریه و ... را طبق سناریوی لاک‌ی یا رقابت پیش‌بینی می‌کنند، به نظر می‌رسد با عنایت به سیاست‌های جدید دولت دموکرات آمریکا سه سناریو با توجه به مطالب پیش رو از جمله وجود تعارضات ایدئولوژیک بنیادین بین آرمان‌های انقلاب اسلامی و نظام لیبرالیسم آمریکایی، جایگاه اسرائیل و لابی صهیونیستی فعال در آمریکا در اتخاذ سیاست‌های خصمانه آمریکا علیه ایران، تأثیرگذاری کشورهای حوزه خلیج فارس و در رأس آن‌ها عربستان سعودی بر سیاست خارجی خاورمیانه‌ای آمریکا، تحریم‌های اقتصادی، تهدید به تغییر رژیم و حمله نظامی، حمایت از گروه‌های مخالف نظام ایران اسلامی، شهادت سردار سلیمانی، انزوای ایران در عرصه بین‌الملل و خروج

یک‌جانبه آمریکا از توافق برجام، غلبه دیدگاه‌های بر دو سناریوی دیگر محتمل‌تر است که امکان بهبود روابط ایران و آمریکا متصور نمی‌باشد که به تبیین و واکاوی آن‌ها می‌پردازیم:

### ماهیت نظام جمهوری اسلامی ایران

نظام جمهوری اسلامی ایران که از بدو تأسیس از ماهیتی ضد‌هژمونیک برخوردار بوده است، یکی از موانع عادی‌سازی روابط ایران و آمریکا به شمار می‌رود. در حقیقت انقلابی که برای رهایی از سلطه و بهره‌کشی قدرت‌های بزرگ شکل گرفت بعید است به راحتی تحت تأثیر فرهنگ استراتژیک آمریکایی قرار گیرد. مشخصات فرهنگ استراتژیک آمریکایی عبارت‌اند از عدم پذیرش و تحمل قدرت‌های مستقل، خصومت با دولت‌های غیر لیبرال مگر آنکه سیاست خارجی‌شان تبعی و پیرو باشد، بدین معنی که از سیاست‌های آمریکا در قبال مسائل مختلف بین‌المللی تبعیت کنند و این درک عمیق و ریشه‌دار اما غیرقابل مشاهده که آمریکا از نرم‌ها، ارزش‌ها و رویه‌های تصمیم‌گیری بین‌المللی تا آنجا که دیگران و نه آمریکا را محدود سازد حمایت می‌کند. این ویژگی‌های فرهنگ استراتژیک آمریکا، به‌وسیله دنبال کردن سیاست خارجی هژمونیک تثبیت و تقویت شده است (Leverett, 2013: 333-334).

سیاست هنجارسازی آمریکا درصدد تغییر فرهنگ‌ها، باورها و ارزش‌های حاکم بر خاورمیانه نیز از اهداف ابزارهای قدرت نرم آمریکا برای مدیریت و کنترل افکار عمومی خاورمیانه بوده است. در این مسیر آمریکا با تعارض ارزش‌های اسلامی و ایدئولوژیک از یک‌سو و ارزش‌های دموکراتیک روبرو بوده است. (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۱۴). آمریکا سیاست هنجارسازی خود را در خاورمیانه به اشکال مختلف دنبال می‌کند. گسترش دموکراسی و حقوق بشر که در دوران جنگ سرد در زمره منافع فرعی و غیر مهم محسوب می‌شد، در دوران پس از جنگ سرد در زمره منافع مهم قرار گرفت و پس از ۱۱ سپتامبر به منافع حیاتی تبدیل شد (سلیمانی پورلک، ۱۳۸۹: ۱).

به همین ترتیب در خاورمیانه گرایش‌های امپریالیستی آمریکا، رهبران این کشور را مجبور ساخته است تا کسانی را که با سیاست‌های این کشور مخالفت می‌ورزند به‌عنوان شیطان و اهریمن قلمداد کنند. یکی از بهترین نمونه‌های مسئله امتناع و عدم پذیرش نظام‌های غیر لیبرال، نظامی است که پس از انقلاب در ایران و به‌واسطه نظام جمهوری اسلامی ایران - همگرایی نهادهای دموکراتیک و برخاسته از انتخابات و آرای مردمی همراه شده است - پدید آمده است. در حقیقت ما با دو فرهنگ استراتژیک مواجه هستیم که هر دو بر بنیادهای ایدئولوژیکی متعارض استوارند: یکی ماهیت سلطه‌طلبانه دارد و دیگری ماهیت مقاومت در برابر سلطه. بدین ترتیب یکی از مسائلی که در سال‌های آینده نیز شاهد تداوم آن خواهیم

## چشم انداز روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایران و آمریکا در.../رجبی ده برزویی و بیدگلی

بود مخالفت جمهوری اسلامی با سیاست مداخله‌جویی و سلطه‌طلبی آمریکا در جهان و به صورت خاص در منطقه خاورمیانه است ((Maleki,2014: 135).

### سیاست تغییر جمهوری اسلامی ایران توسط ایالات متحده آمریکا

آنچه که از سوی همه سیاستمداران ایران احساس می‌شود، سیاست ایالات متحده آمریکا مبنی بر تغییر رژیم عاملی است که به شکل مداوم موجب سطح بالایی از بی اعتمادی نسبت به آمریکا شده است و مانع اصلی هرگونه مصالحه با آن کشور به نظر می‌رسد. اقدامات تهاجمی فراوانی علیه ایران صورت گرفته است از جمله تحریم‌های اقتصادی فلج‌کننده، تخصیص بودجه تحت نام پشتیبانی از آزادی در ایران، انجام عملیات مخفی تا ایجاد آشوب در ایران، فعالیت‌های جاسوسی سیا در کشور، قراردادن ایران در محور شرارت، روی میز نگه‌داشتن احتمال حمله نظامی به ایران، رد آشکار تضمین امنیتی به ایران. ایرانی‌ها به همه این موارد به‌عنوان علائمی آشکار در جهت تغییر رژیم می‌نگرند. اظهارات رئیس‌جمهور سابق اوباما مبنی بر اینکه او هرگز گزینه نظامی را از روی میز بر نخواهد داشت همراه با سخت‌ترین تحریم‌ها که در دوره ریاست جمهوری او بر ایران تحمیل شده است، ایرانیان را متقاعد کرده است که با وجود تغییر در رهبری آمریکا، سیاست تغییر رژیم همچنان در دستور کار است. ( موسویان، ۱۳۹۳: ۴۳-۴۲).

### نقش اسرائیل عاملی بازدارنده در رابطه ایران و آمریکا

عناصر گوناگونی در شکل دادن به ساختار سیاست خارجی آمریکا مؤثر است از جمله: لابی‌ها، که بسیاری از رفتارهای دولتمردان متأثر از اعمال نفوذ و فشار لابی‌ها است. اگرچه این گروه‌ها توانایی را که دولت دارد، ندارند؛ ولی چون دارای هدف‌ها و برنامه‌های کم‌وبیش مشخص هستند، با تمام وسایلی که در دست دارند بر دولت فشار می‌آورند تا دولت را در جهت هدف‌هایشان سوق دهند ( ابو الحمد، ۱۳۷۶: ۲۸۲).

درواقع گروه‌های ذی‌نفوذ برخلاف احزاب سیاسی درصد کنترل حکومت نیستند، بلکه عمدتاً درصد تأثیرگذاری بر آن هستند ( قوام، ۲۸۵: ۱۳۸۴). در گذشته، کارکرد گروه‌های ذی‌نفوذ و ذی‌نفع و فشار عمدتاً در چهارچوب سیاست‌های داخلی مورد توجه قرار می‌گرفت، ولی اینک فعالیت‌های آنان در بخش‌های گوناگون در عرصه جهانی و سیاست بین‌المللی محسوس است.

یکی از اقدامات دولت آمریکا در زمان ریاست جمهوری دموکرات اسبق، در مسیر مقابله با تهدید ایران، انجام نوعی بازنگری در سیاست‌های روسای جمهور گذشته بود. به این ترتیب، سیاست محاصره مشترک که آمریکا را در کنار متحدان اروپایی خود درصد اعمال آن علیه ایران برآمد، در نهایت در چهره

### فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

سیاست مهار دوجانبه متبلور شد. در این زمینه نیز رد پای نقش آفرینی لابی صهیونیستی مدافع اسرائیل قابل پیگیری است. (کیوان حسینی، ۱۳۹: ۱۳۸۸). ابعاد اجرایی سیاست مهار دوجانبه بر سه محور سیاسی، اقتصادی و نظامی استوار بود.

از اهرم‌های اصلی برای حفظ قدرت گروه، اعتباری است که در کنگره آمریکا جایی که اسرائیل از هر نوع انتقادی مصونیت دارد، برای خود دست‌وپا کرده است، این، به‌خودی‌خود، موقعیت ممتازی است. برای اعمال نفوذ در کنگره، مرکز فرماندهی همان (آپیک) است. در انتخابات آمریکا پول نقش مهمی دارد. آپیک راه و چاه تأمین کمک‌های قابل توجه مالی را از ناحیه شبکه گسترده کمیته‌های جنبش سیاسی هوادار اسرائیل به‌خوبی می‌داند و به کمک دوستان می‌شتابد.

#### **تأثیرگذاری کشورهای حوزه خلیج فارس خصوصاً عربستان سعودی**

روابط بین ایران و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در طول تاریخ از فراز و نشیب‌های بسیار زیادی برخوردار بوده که در این میان، وقوع جنگ تحمیلی در تشدید درگیری‌های بین آن‌ها نقش بسزایی داشته است. ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون از مرحله اعتمادسازی خارج نشده و هنوز تفاهم مشترکی بین آن‌ها در قبال مسائل حساس منطقه خاورمیانه به وجود نیامده است. روندهای خلع سلاح و کنترل تسلیحات نامتعارف، به‌ویژه تسلیحات هسته‌ای، امنیت انرژی و سیاست‌های نفتی، امنیت منطقه‌ای خلیج فارس (هادیان، ۱۳۸۵: ۸۰)؛ و از همه مهم‌تر، اختلاف‌های ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک از مهم‌ترین محورهای اختلاف ایران و کشورهای عضو همکاری خلیج فارس و در رأس آن‌ها، عربستان بوده است.

دو کشور ایران و عربستان از قدرت‌های بزرگ منطقه هستند و هرکدام ادعای ام القریای جهان اسلام را دارند. جنگ نیابتی میان ایران و عربستان نیز از جمله مواردی است که روابط ایران و آمریکا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. درحالی‌که ایران تلاش کرده است طی سال‌های گذشته قدرت خود را در کشورهایمانند عراق، یمن و لبنان نهادینه سازد عربستان که رقیب ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک ایران محسوب می‌شود تلاش می‌کند افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه را به چالش کشیده و موازنه را به نفع خود تغییر دهد. عربستان سعودی در این مسیر همواره تلاش کرده است آمریکا را با خود همراه سازد. آن‌ها به بهانه حمایت ایران از تروریسم در منطقه و تلاش ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای برآنند تا مواضع تند واشنگتن علیه تهران را تقویت کنند. مسئله مهم دیگری که در کشورهای عربی به‌صورت عام و در عربستان به‌صورت خاص مشاهده می‌شود این است که حمایت بی‌شائبه آمریکا از این کشورها سبب نزدیکی هر چه بیشتر گروه‌های شیعی این کشورها به دولت ایران بوده است. به تعبیری دولت عربستان



## چشم انداز روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایران و آمریکا در.../رجبی ده برزویی و بیدگلی

حقوق شیعیان این کشور را زیر پا می‌گذارد درحالی که با واکنش چندانی از سوی واشنگتن روبرو نمی‌شود ( Ricotta,2016: 143 ).

عربستان سعودی کشوری است که به جهات مختلف دارای اهمیت و ویژگی‌های منحصربه‌فرد می‌باشد. اولاً ظهور و پیدایش دین مبین اسلام در شبه‌جزیره عربستان می‌باشد و این کشور مکان‌های مقدسی نظیر مکه و مدینه را در خود جا داده است که به لحاظ تقدس و معنویت آن از اعتبار خاصی در میان کشورهای اسلامی برخوردار است. ثانیاً این کشور از لحاظ ذخایر نفتی، غنی‌ترین کشور دنیا به شمار می‌رود.

علی‌رغم این ویژگی‌ها، هنوز عربستان سعودی به حیث یک کشور سنتی، محافظه‌کار و متحجر شناخته می‌شود؛ وجود گروه افراطی وهابی و نیروهای سلفی در این کشور می‌تواند یکی از دلایل اصلی در ایجاد عدم رابطه ایران و آمریکا می‌باشد. به دنبال گسترش نفوذ وهابیت در شبه‌جزیره عربستان، این تشکیلات با استفاده از منابع مالی بادآورده در کشورهای مختلف اسلامی نفوذ کرده است. ایجاد و تقویت گروه‌های افراطی و سلفی یکی از اهداف اصلی این آئین می‌باشد. یکی از اهداف اساسی وهابی‌ها، مبارزه و از بین بردن گروه‌های شیعی موردحمایت ایران است. گروه‌های وهابی افراطی و سلفی موردحمایت عربستان سعودی، از آغاز تأسیس و روی کار آمدن حکومت مذهبی در ایران، نگرانی خویش را ابراز داشته‌اند. این گروه‌ها تلاش ورزیده‌اند تا از گسترش نفوذ گروه‌های شیعی موردحمایت ایران جلوگیری نمایند. از این رو این کشورها تلاش می‌ورزند تا جلو گسترش نفوذ ایران در منطقه و به‌خصوص کشورهای عربی را بگیرند. تشکیل ائتلاف ضد گروه حوثی‌ها در یمن که از سوی عربستان سعودی رهبری می‌شود، نمونه‌ی بارز آن است.

ایران نیز یکی از کشورهای بزرگ منطقه است که از نگاه ژئوپلیتیک در جایگاه مهمی قرار دارد. این کشور قبل از انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه از نگاه اقتصاد به شمار می‌رفت و از موقف سیاسی شامخ برخوردار بود. روابط ایران با دنیای عرب همواره دارای فراز و نشیب‌های زیاد بوده است. باوجوداین مسائل، این کشور با اقتصاد متکی به نفت، توانسته است برای مقاصد و نیات خویش در منطقه، گروه‌های مختلف شیعی را تجهیز و حمایت کند؛ این گروه‌ها نیز توانسته‌اند تا حدودی منافع استراتژیک ایران در منطقه را برآورده سازند؛ اما آنچه مایه نگرانی است، دو کشور اسلامی وارد یک جنگ فرقه‌ای شده‌اند. جنگی که امکان دارد مهر و موم‌ها ادامه یابد و می‌تواند باعث ایجاد مشکلات مضاعف و تفرقه بیشتر در دنیای اسلام و حتی در جهان گردد. جنگ نیابتی امروزی و اختلافات دیپلماتیک که امروز میان ایران و عربستان وجود دارد، محصول تولید، پرورش و حمایت از گروه‌های افراطی است که عربستان

سعودی مسئول آن بوده است.

### تحریم‌های اقتصادی

استفاده از تحریم‌های اقتصادی به منظور اجرای مقاصد سیاسی روش جدیدی نیست. دولت‌ها به دلایل مختلف در طول تاریخ به تحریم‌های اقتصادی متوسل گردیده‌اند ( مافی، ۱۳۸۵: ۶۰). در شرایط موجود، ایران به متوازن شدن روابط اقتصادی با جهان غرب و بر اساس دستاوردهای برجام اشاره دارد. مقام‌های تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری آمریکا احساس می‌کردند تحریم‌های اقتصادی اعمال شده علیه جمهوری اسلامی می‌تواند منجر به گسترش بی‌ثباتی اجتماعی شود. عدم تأثیر مستقیم تحریم‌های اقتصادی بر امنیت ملی و مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی، منجر به تصاعد الگوهای رفتاری ایالات متحده در برخورد با ایران شده است. چنین فرآیندی می‌تواند چالش‌های بیشتری را برای آینده سیاسی ایران به وجود آورد. در چنین شرایطی، هرگونه تصمیم‌گیری باید بر اساس گزینه‌های محتمل آمریکا در برخورد با ایران تنظیم و سازمان‌دهی شود. تداوم دیپلماسی اجبار آمریکا نیازمند اقدام متقابل از سوی ایران بوده است. واقعیت‌های سیاست آمریکا در برخورد با ایران نشان می‌دهد زمامداران این کشور به دنبال سیاست تحریم ایران بوده‌اند. آمریکا در دوران دموکرات‌ها از طریق یک نوع تعامل ارتباطی تلاش داشتند محدودیت‌های بیشتری علیه ایران اعمال کنند. در دوران دموکرات‌ها، فشارهای اقتصادی علیه ایران موج می‌زد، اما جلوه‌هایی از تعامل نیز وجود داشت.

### شهادت سردار سلیمانی

سردار قاسم سلیمانی یکی از شخصیت‌های بزرگ انقلاب اسلامی بود که حدود ۴۰ سال در محور مقابله و جهاد با دشمنان اسلام خصوصاً استکبار جهانی یعنی آمریکای جنایتکار نبرد کرد و بالاخره پس از مهر و موم‌ها جهاد به فیض شهادت دست‌یافت. «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا؛ برخی از آن مؤمنان، بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند، پس برخی پیمان خویش گزارند و برخی به انتظار (فیض شهادت) مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند» (احزاب، ۲۳).

به نظر می‌رسد با شهادت سردار قاسم سلیمانی قهرمان ملی ایران زمین، تنش و ناامنی در منطقه خاورمیانه به شکل گسترده‌ای بالا خواهد رفت. اقدام به ترور یکی از فرماندهان عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران توسط آمریکا یک مسئله خارج از عرف سیاسی و نظامی است که در تضاد با قوانین بین‌المللی قرار دارد. نفس حمله‌ای این چنین نه تنها نقض آشکار حقوق بشر، بلکه مصداق بارز تروریسم دولتی است.

## چشم انداز روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایران و آمریکا در.../رجبی ده برزویی و بیدگلی

سردار سلیمانی طی دو سه دهه اخیر از بلندآوازه‌ترین نظامیان ایران بود که در سیاست عملی جمهوری اسلامی ایران نقشی اساسی و کاملاً محوری داشت و به‌عنوان یک قهرمان ملی از او یاد می‌شد. نقش او دقیقاً پس از حملات یازدهم سپتامبر در دو کشور افغانستان و عراق پررنگ گردید. نجات سوریه از تروریست‌های داعشی و تکفیری، حفاظت از عراق و جلوگیری از تجزیه آن از مهم‌ترین تحولاتی است که در کارنامه کاری حاج قاسم سلیمانی قرار می‌گیرد. فقدان سردار سلیمانی بی‌شک ضربه‌ای بزرگ برای جمهوری اسلامی ایران است و با توجه به نقش و جایگاه و سطح نفوذ رو به گسترش ایران طی دو دهه اخیر در خاورمیانه، شهادت ایشان به نقطه‌ای عطف و تأثیرگذار در بازی‌ها، مؤلفه‌ها و رقابت‌های قدرت در خاورمیانه از جمله عدم رابطه ایران و آمریکا و باعث غلبه دیدگاه هابزی یا دشمنی به شمار می‌آید.

### **خروج یک‌طرفه از توافق برجام**

مقام معظم رهبری (مدظله) در خصوص خروج از برجام در خطبه‌های نماز جمعه تهران اشاره فرمودند که: بنده از اول هم گفتم، بعد از خروج آمریکا از برجام که این سه دولت مدام حرف می‌زدند، مدام یاهو‌گویی می‌کردند، بنده همان روز هم گفتم من به این‌ها اعتمادی ندارم، این‌ها کاری نخواهند کرد، در خدمت آمریکا خواهند بود؛ امروز کاملاً واضح شده است، بعد از گذشت حدود یک سال معلوم شده است که این‌ها به معنای واقعی کلمه، پادوی آمریکا هستند؛ این‌ها پادو آمریکا هستند. آن وقت این دولت‌های حقیر در انتظار این هستند که ملت ایران را به زانو در بیاورند. آمریکا که بزرگ‌تر شما بود، پیشرو شما بود، ارباب شما بود، قادر نبود ملت ایران را به زانو در بیاورد؛ شما کوچک‌تر از آن هستید که بخواهید ملت ایران را به زانو در بیاورید (خامنه‌ای، ۱۳۹۸).

ایالات متحده آمریکا که دارای رویکرد یک‌جانبه‌گرا در مورد سیاست جهانی است، از انجام تعهدات خود اجتناب کرده و فشارهای اقتصادی بیشتری را علیه ایران اعمال کرده است. ایران در چندین مرحله خواستار بازگشت ایالات متحده به گروه ۵+۱ در مورد برجام بوده و ایالات متحده از اجرای تعهدات خود استنکاف کرده است. چنین فضایی منجر به افزایش بدبینی ایران نسبت به سیاست‌های آمریکا شده است. مذاکره با کشورهای اروپایی می‌تواند به‌عنوان تلاشی برای پایان دادن به برخی محدودیت‌ها تلقی شود. در حالی که ایالات متحده در صدد است سیاست‌های جداگانه‌ای در روابط با ایران اتخاذ کند. سیاست آمریکا بر تداوم فشارهای حداکثری برای تغییر در سیاست‌های ایران محسوب می‌شود. کاهش تعهدات برجامی ایران نیز به دلیل شکل‌بندی‌های ساختاری نظام بین‌الملل که تحت تأثیر فشارهای راهبردی آمریکا قرار دارد، نتوانست واکنش مؤثری در برابر سیاست‌های آمریکا ایجاد کند. در این فرآیند، ایالات متحده با اعمال فشارهای اقتصادی و کشورهای اتحادیه اروپا از طریق واکنش سیاسی شدید نسبت به ایران، تلاش می‌کند

مانع از اثربخشی سیاست ایران برای کسب دستاوردهای جدید شود. در فرآیند تصمیمات جدید ایران، مقامات آمریکا همانند گذشته، از اعطای تسهیلات مالی به ایران ممانعت کرده‌اند. آمریکا و اروپا مانع از انتقال منابع مالی جدید به ایران شده و هیچ‌گونه نشانه‌ای از ارائه اعتبارات اقتصادی به ایران مشاهده نمی‌شود.

رویکرد خصمانه واشنگتن علیه مردم ایران با توجه به پیشینه بسیار خسارت‌بار ارتباط با این کشور، مانع از آن است ملت بزرگ و نظام مستقل ایران بخواهند درهای رابطه را بر روی دولت آمریکا را به این سادگی‌ها بگشایند.

### **انزوای ایران در عرصه بین‌الملل**

جوزف نای، قدرت نرم را به‌عنوان توانایی رسیدن به مطلوب از طریق جاذبه نه با استفاده از تهدید و تطمیع تعریف کرده است. قدرت نرم ناشی از جاذبه‌های فرهنگی، ایده‌های سیاسی و خط‌مشی‌های سیاسی است. وقتی سیاست‌های ما در چشم سایرین مشروع جلوه کند قدرت نرم ما افزایش یافته است. از نظر نای، عالی‌ترین سطح قدرت نرم در روابط بین‌الملل است (Vuving, 2009: 25).

در همین چهارچوب، سیاست رسانه‌ای آمریکا، معرفی ایران به‌عنوان حامی اصلی تروریسم، پس از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۲، ایجاد فضای رسانه‌ای درباره دخالت ایران در عراق، لبنان و غیره در نقش بزرگ‌ترین مدافع تروریسم که به عوامل ناامنی در این کشورها تسلیحات می‌رساند و آن‌ها را آموزش نظامی می‌دهد است. گزارش‌های وزارت خارجه آمریکا از وضعیت تروریسم در جهان، گزارش‌های وبگاه بین‌المللی مقابله با تروریسم مستقر در آمریکا، اظهارات مقامات و نهادهای رسمی آمریکا و غیره، مکرراً ایران را به‌عنوان یکی از کشورهای اصلی حامی تروریسم معرفی کرده است و بسیاری از اقدامات ایران در سیاست خارجی‌اش، از جمله حمایت از فلسطین، حمایت از حزب‌الله لبنان، ضدیت با اسرائیل و غیره را از دلایل عمده بهره‌گیری ایران از ابزار تروریسم معرفی می‌کند. می‌توان به سیاست خارجی آمریکا به‌عنوان منبعی که نقشی مهم در ارائه تصویر مثبت و موجه در میان افکار عمومی ایران دارد اشاره کرد. یکی از شیوه‌ها و راهبردهای جنگ نرم آمریکا علیه ایران در قالب عملیات روانی تبلیغاتی متهم کردن ایران به حمایت از تروریسم است (عاملی، ۱۳۹۰: ۹۷).

ادعاهای مبالغه‌آمیز درباره تلاش ایران برای تولید سلاح‌های هسته‌ای و تهدید صلح و امنیت جهانی. پیگیری پرونده هسته‌ای ایران و القای غیر صلح‌آمیز بودن این فناوری و تبلیغ اینکه ایرانی‌ها تلاش دارند بمب اتمی بسازند که نه تنها برای امنیت و ثبات منطقه و جهان خطرناک است، بلکه موجب تقویت جبهه تروریست‌ها و جریان بنیادگرایی افراطی در جهان خواهد شد (ماه پیشانیان، ۱۳۸۹: ۲۶۱).

## چشم انداز روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایران و آمریکا در.../رچی ده برزوئی و بیدگلی

تأکید بر حقوق بشر و تضييع آن در ایران از ديگر ابزارهای نرم آمریکا برای منزوی ساختن ایران در سطح بین‌الملل است. جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که مدام در معرض اتهام نقض گسترده حقوق بشر قرار داشته است. حقوق بشر بعد از انقلاب اسلامی به ویژه در سال‌های اخیر از سوی آمریکا به‌عنوان دستاویزی برای مداخله در امور داخلی ایران و ارائه چهره‌ای غیرواقعی از وضعیت داخلی ایران مورد استفاده قرار گرفته است. این به معنای سیاسی شدن و استفاده ابزاری از این حیطه گسترده موضوعی است. در گزارش‌های آمریکا و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل آمده است، دولت حق شهروندان برای تعیین دستگاه سیاسی حاکم بر خود را محدود می‌کند یا اتهاماتی چون برخورد تبعیض‌آمیز با برخی از اقلیت‌ها را بر جمهوری اسلامی ایران وارد می‌کند؛ اتهاماتی چون مشکلات رسیدگی به پرونده‌های قضایی و وضعیت را مستمسک خود قرار می‌دهند (عاملی، ۱۳۹۰: ۹۱)؛ و ادعای مداومی را مبتنی بر نقض حقوق بشر در زمینه‌های گوناگون (آزادی بیان، تبعیض جنسیتی، حقوق اقلیت‌ها، اعدام، سنگسار، شلاق و غیره) تکرار کرده است. مهم‌ترین موارد برشمرده شده به‌عنوان نقض حقوق بشر شامل نقض دموکراسی، خشونت علیه شهروندان، تبعیض درباره اقلیت‌های مذهبی، آزار و اذیت بهائیان، شکنجه، بازداشت‌های خودسرانه، نبود آزادی بیان و مطبوعات، مجازات اعدام، حکم ارتداد و غیره (عاملی، همان).

بدین ترتیب، آشکار شد که آمریکا در سطح بین‌المللی نیز در پی آن است تا با بهره‌گیری از پروژه ایران‌هراسی از طریق رسانه‌های تحت نفوذ خود و ایجاد ذهنیت منفی نسبت به ایران در افکار عمومی دنیا به منزوی کردن ایران در عرصه بین‌الملل مبادرت ورزد و از تثبیت و تعمیق ارزش‌های انقلاب اسلامی جلوگیری کند.

### **حمایت از گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران**

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایالات متحده تلاش کرد تا جنبش‌هایی تحت عنوان جنبش‌های تجزیه‌طلبانه در غرب، جنوب و شمال کشور سازمان‌دهی و علیه نظام تحریک کند. به همین دلیل، نظام جمهوری اسلامی در بخش‌هایی از کشور همچون کردستان، خوزستان، ترکمن صحرا، آذربایجان، سیستان و بلوچستان تا مدت‌ها با چنین جریان‌هایی درگیر بود. ولی درنهایت این سیاست آمریکا هم نتیجه‌ای جز دیگر اقدامات خصمانه آن در بر نداشت.

افزون بر این، منافقین نیز از هنگام ورود به فاز شورش‌های مسلحانه و عملیات‌های تروریستی بسیار وسیع از سال ۱۳۶۰ به بعد، تحت حمایت خاص دولت آمریکا قرار گرفتند و در طول چهار دهه پس از پیروزی انقلاب، با تقویت و پشتیبانی مادی و معنوی گروه‌های تروریستی، که به ایجاد رعب و وحشت،

گسترش دامنه ناامنی در کشور و حذف شخصیت‌های برجسته نظام روی آورده‌اند، تا جمهوری اسلامی را با یک بحران امنیتی و مدیریتی مواجه سازند.

روابط ایران و آمریکا در حوزه انرژی پس از انقلاب تحت تأثیر تحریم‌هایی است که آمریکا علیه کشورمان وضع کرده است. در حقیقت آمریکایی‌ها تلاش کردند نه تنها بخش خصوصی خود را از حضور در صنایع گاز و نفت ایران منع کنند بلکه برای سرمایه‌گذاری دیگر کشورها نیز مانع ایجاد کردند. با این حال هرچند کشورهای اروپایی در مقاطعی تحریم‌های آمریکا را نادیده و در صنعت نفت ایران حضور پیدا کردند اما تحریم‌های پیش از توافق هسته‌ای نشان داد که این کشورها وابستگی چندانی به نفت ایران ندارند. در حقیقت کشورهایی همچون عراق و عربستان کاهش صادرات نفت ایران را که در پی تحریم‌های آمریکا علیه برنامه هسته‌ای‌مان شکل گرفته بود جبران کردند. بدین ترتیب نیاز به نفت ایران کمتر از پیش احساس شد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به دیدگاه الکساندر ونت از جمله مسائلی که بر روابط ایران و آمریکا تأثیر گذاشته و باعث گردیده دیدگاه‌ها بزی یا خصومت و دشمنی بر دو دیدگاه لاک‌ی و کانتی غلبه پیدا کند می‌توان به عواملی از جمله وجود تعارضات ایدئولوژیک بنیادین بین آرمان‌های انقلاب اسلامی و نظام لیبرالیسم آمریکایی، جایگاه اسرائیل و لابی صهیونیستی فعال در آمریکا در اتخاذ سیاست‌های خصمانه آمریکا علیه ایران، تأثیرگذاری کشورهای حوزه خلیج فارس و در رأس آن‌ها عربستان سعودی بر سیاست خارجی خاورمیانه‌ای آمریکا، تحریم‌های اقتصادی، تهدید به تغییر رژیم و حمله نظامی، حمایت از گروه‌های مخالف نظام ایران اسلامی، شهادت سردار سلیمانی، انزوای ایران در عرصه بین‌الملل و خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق برجام اشاره داشت. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که روابط ایران و آمریکا تا سال ۲۰۲۶ میلادی نمی‌تواند سناریوی کانتی یا دوستی با توجه به دلایل برخی از کارشناسان از جمله تشکیل دولت دموکرات در آمریکا، پیش‌بینی ورود مجدد این کشور به توافق برجام و باز شدن حساب‌های مالی و همگرایی اقتصاد ایران در بخش نفت و گاز باعث شود. افزایش تحریم‌ها در حوزه حقوق بشر، تروریسم و فعالیت‌های موشکی ادامه خواهد یافت. تداوم تیرگی روابط ایران و آمریکا حتی بعد از توافق هسته‌ای در نتیجه شکاف عمیق هویتی بین دو طرف است.

در این رهگذر، اتخاذ راهکارهای متنوع سیاسی، اقتصادی و امنیتی جهت مدیریت و کنترل تحولات منطقه‌ای باید در دستور کار سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد. حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، ثبات سازی، تلاش در جهت ایجاد اجماع منطقه‌ای همسو با منافع جمهوری اسلامی ایران،

### چشم انداز روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایران و آمریکا در.../رجبی ده برزویی و بیدگلی

خنثی‌سازی فشارهای سیاسی علیه جمهوری اسلامی ایران از طریق افزایش شفاف‌سازی در سیاست خارجی و تعامل مؤثر و سازنده در چارچوب سازوکارهای موجود منطقه‌ای با استفاده از دیپلماسی فعال و چندجانبه می‌تواند به‌عنوان راهبردهای بلندمدت جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گیرد. از طرفی موج بیداری اسلامی فرصت کم‌نظیری را برای گسترش پیام انقلاب اسلامی و هنجارهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه ایجاد نموده است؛ بنابراین، توجه مضاعف به این عامل مهم و تأثیرگذار، می‌طلبد با استفاده از ظرفیت‌های دولتی و غیردولتی، سازوکارهای مناسبی برای تقویت، کمک و هدایت بیداری اسلامی در منطقه ایجاد شود. با عنایت به دیدگاه سازه‌انگاری الکساندر ونت ما سه سناریو را مورد واکاوی قرار دادیم که با توجه به دلایل مختلف که برشمردیم سناریوی هابزی یا دشمنی بر دو سناریوی لاکه (رقابت) و کانتی (دوستی) تا سال ۲۰۲۶ میلادی محتمل‌تر است که امکان بهبود روابط ایران و آمریکا تا آن زمان متصور نمی‌باشد.

## منابع

- ۱) قرآن کریم
- ۲) ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۶)، مبانی سیاست، تهران: انتشارات طوس.
- ۳) اردم، نیلوفر (۱۳۹۳)، مؤلفه‌های راهبردی در تدوین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سایت دیپلماسی ایرانی.
- ۴) چیت‌سازیان، محمدرضا و شفیع، نوذر (۱۳۹۶)، چشم‌انداز روابط ایران و آمریکا تا سال ۲۰۳۰: سناریوهای ممکن، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی. شماره چهارم.
- ۵) خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸)، خطبه‌های نماز جمعه تهران، بیست و هفتم دی‌ماه.
- ۶) حسینی، حسن (۱۳۸۳)، طرح خاورمیانه بزرگ‌تر، القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی آمریکا، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران.
- ۷) سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۸۹)، قدرت نرم در استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا، تهران: فصلنامه پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- ۸) عاملی، باقر (۱۳۹۰)، اهداف جنگ نرم آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- ۹) قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۴)، روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- ۱۰) کیوان حسینی، سید اصغر (۱۳۸۸)، لابی یهود و سیاست خارجی آمریکا، موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ۱۱) مافی، همایون (۱۳۸۵)، تأملی بر تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی. شماره یک.
- ۱۲) ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۸۹)، افزایش سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، راهکاری برای مقابله با تهدیدات نرم آمریکا. نشر ساقی.
- ۱۳) مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.
- ۱۴) موسویان، سید حسین (۱۳۹۳)، ایران و آمریکا، ترجمه محمدرضا رضایی پور، تهران: انتشارات تیسرا.
- ۱۵) ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل (ترجمه ح. مشیرزاده)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول.



چشم انداز روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایران و آمریکا در.../رجبی ده‌برزویی و بیدگلی

۱۶) هادیان، حمید (۱۳۸۵)، در پرتو شرایط جدید منطقه‌ای: کاوشی در روابط ایران و عربستان سعودی، فصلنامه راهبرد. شماره ۳۹.

Leveret,F. And Leverett,H.2013, Going to Tehran: Why America Must Accept (۱۷) the Islamic Republic of Iran, London and New York, Metropolitan Books.

Ricotta,J.2016,the Arab Shia Nexus:Understanding Irans Infuence in the Arab (۱۸) World, the Washington Quarteriy, 39:2,pp.139-154

Maleki, A. Terman,J.2014, Iran-U.S Misperception, Bloomsbury Publishing, (۱۹) New York, United States.

Vuving, alexander. (2009)."how soft power works" asia –pacific center for (۲۰) security studies. Wwwwapcss.org